

# اهمیت دعوت در عصر حاضر

عیدالله موسی زاده

اگر یاران رسول اکرم سر از قبر بیرون می آوردند، همه فعالیت‌های را به تعویق انداخته و رجال، علما و آحاد ملت را به دعوت امر می فرمودند. لذا امروزه باید افرادی باشند که مصالح خود را کنار بگذارند و به مصالح امت بیاندیشند.

بقول حضرت مولانا مفتی محمد تقی عثمانی حفظه الله که می فرمایند: «هرگاه بنده الله (داعی) نفس و نفسانیت خود را زیر پایش بگذارد و خود را چیزی بحساب نیاورد و به خاطر الله مردم را دعوت دهد، چنانکه اهل دنیا یقین کنند که به دنیای آنها چشم ندوخته و هر چه می‌گوید به خاطر رضای الله می‌گوید، بدون شک این نوع سخن و دعوت اثر مثبت خواهد داشت، چنانکه در مجالس و عظ و ارشاد انسان‌های مخلصی همچون حضرت شاه اسماعیل شهید<sup>رحمه الله</sup> هزاران نفر توبه می‌کردند.

حضرت مفتی محمد شفیع<sup>رحمه الله</sup> از علامه شییراحمد عثمانی<sup>رحمه الله</sup> نقل می فرمودند که: «هرگاه سخن حق را با روش حق و به همراه نیت حق هر کجا بگویند مفید و مؤثر واقع خواهد شد و هیچ ضرر و زیان نخواهد داشت»<sup>(۱)</sup>. پس سه مطلب در دعوت از اهمیت بسزایی برخوردار است:

- ۱- سخن درست باشد.
- ۲- نیت صحیح باشد.
- ۳- راه و روش صحیح باشد.

## اولین گام، اصلاح فرد

انسان گل سر سبد خلقت است. اصلاح جامعه بستگی به اصلاح انسان دارد. پایه‌های جامعه‌ای مستحکم می‌گردد که انسانهای قوی داشته باشد و انسان زمانی قوی

در طول تاریخ بشر هر گاه فساد عام می‌شد و مردم از خداوند غافل می‌شدند و فکر آخرت به فراموشی سپرده می‌شد الله ذوالجلال پیامبری را جهت بیداری و متوجه ساختن آنها بسوی پروردگارشان مبعوث می‌کرد و با دعوت پیامبر بود که غبار شرک، بدعات، خرافات و منکرات زدوده می‌شد. و اگر عده‌ای بر اثر عناد و جهل دعوت را نمی‌پذیرفتند بوسیله جهاد با آنها مبارزه می‌شد. دعوت و جهاد دو ابزار مهم هستند که امت را در زیر پرچم اسلام جمع می‌کنند و سامان داده و وحدت بوجود می‌آورند.

اگر امروزه به جوامع اسلامی بنگریم می‌بینیم که فساد موج می‌زند، کشورهای غیر اسلامی جای خود دارد. فسادهای فردی، فسادهای اجتماعی، فسادهای اخلاقی، فسادهای مالی و فسادهای اداری که در حکومت‌های امروزی صورت می‌گیرد واقعاً بشریت را به اضمحلال کشانده است با این وصف امروزه نیاز شدید به دعوت است.

راهی که می‌توان بوسیله آن بر فسادها، فحشا و منکرات غالب شد تنها دعوت است. باید بشر را به ضرر و زیان منکرات و فساد متوجه ساخت و فایده و نفع اعمال صالح و دینداری را بازگو کرد تا نسبت به منکرات و معاصی نفرت پیدا شود و نسبت به معروفات رغبت حاصل کنند. اگر این داروی شفابخش که برای امت تجویز شده، بشر آنرا استفاده نکند عنقریب در پرتگاه مهیب می‌افتد و خود را نابود و هلاک می‌سازد. پس باید داعیان دین برخیزند، همت کنند و بشریت را نجات دهند، کشتی در شرف غرق شدن انسانیت را به ساحل برسانند. بر این بینوایان ترحم کنند، امروز دعوت از بسیاری از مسائلی که مردم و متخصصین فنون مختلف به آن پرداخته‌اند مهمتر است.

۱- روش دعوت و تبلیغ، مؤلف علامه محد تقی عثمانی (حفظه الله)

تبلیغات واهی و پوچ به مردم عرضه می‌کند، تبلیغات، حرف اول را در امور دنیوی می‌زند. مسیحیت و ادیان باطله با دعوت به طرف دین باطل شان، جوانان (این قشر پاک و بی آرایش را) که جگر گوشه‌های مسلمانان هستند یکی پس از دیگری را شکار افکار پوچ خود می‌کنند. اهل باطل، امروز با دعوت و تبلیغ ایده خود دارند افراد خواب و غافل خود را بیدار می‌سازند و دیگران را جذب خود می‌کنند، کفار و ملحدین از هر وسیله تبلیغاتی به نفع دین باطل خود استفاده می‌کنند.

با استفاده از رادیو، تلویزیون، نوار، کامپیوتر و اینترنت خود را به جهان و جهانیان معرفی می‌کنند. از راه تبلیغ فکر خود را ترویج می‌دهند. تمام سرمایه، استعداد، وقت و استراحت خود را فدای تبلیغات خود می‌سازند جایی که صدای آنها یا نوشته آنها از طریق اینترنت نمی‌رسد، افراد خود را بسیج می‌کنند، تا با پای پیاده، با تحمل مشقتها بدانجا راه یابند و تبلیغ دین مسیحیت بکنند.

جماعتی از پاکستان عازم استرالیا شده بود در هواپیما، چند نفر تبشیری (مبلغین مسیحی) با این جماعت ملاقات می‌کنند، می‌پرسند که چه کسانی هستید، کجا و به چه قصد می‌روید؟

مسلمانان جواب می‌دهند: ما مسلمان هستیم، جهت تبلیغ دین خود به استرالیا عازم هستیم. مسیحی‌ها می‌پرسند برای چند مدت؟ مسلمانان جواب می‌دهند به مدت ۴ ماه.

سپس می‌گویند: بعد چکار می‌کنید؟ مسلمانان جواب می‌دهند به وطن خود برمی‌گردیم. اعضای جماعت از آنها همین سؤالات را می‌پرسند؟ مسیحی‌ها جواب می‌دهند که ما با همسران خود جهت دعوت مردم استرالیا به مسیحیت بدانجا می‌رویم. مسلمانان می‌پرسند برای چند ماه؟ مسیحی‌ها در جواب می‌گویند: ما به آنجا می‌رویم تا یا دین مسیحیت را زنده کنیم یا همانجا بمیریم! افراد جماعت بسیار متأسف و متأثر می‌شوند که همت اهل باطل را نگاه کن و همت ما مسلمانان را که فقط برای چهار ماه کمر همت می‌بندیم.

### اصول دعوت

لذا اول باید با اصول دعوت آشنایی پیدا کرد سپس به

می‌گردد که اصلاح شده باشد. اصلاح فرد بر اصلاح جامعه مقدم است و در واقع فرد اساس جامعه را تشکیل می‌دهد و دعوت نیز از فرد آغاز می‌گردد، هرگاه فرد دعوت داده بشود و سرانجام رابطه‌اش با خالقش برقرار گردد مسلماً جامعه ارتباطش با خالقش برقرار می‌گردد و اگر فرد داعی شد، جامعه داعی می‌شود. هر فرد یک آجر ساختمان جامعه را تشکیل می‌دهد و از بنای آن، افراد مستحکم می‌گردند.

بنابر این، تغییر ساختار فکری، ساختار عملی، تغییر دیدگاه فرد به نفع جامعه است و عقیده و دیدگاه و فکر و عمل هیچ فردی اصلاح نمی‌شود مگر با دعوت؛ و دعوت است که در درون انقلاب ایجاد می‌کند.

### دعوت رمز حیات و بالندگی امت‌ها

در هر جامعه‌ای که نهضت دعوت زنده شود، آن جامعه زنده و بالنده خواهد شد و در هر نهضتی که دعوت نباشد آن نهضت دستخوش انقراض و سرانجام جایش را به دیگری واگذار می‌کند.

از حضرت مولانا عاشق الهی رحمته پرسیدند که علتش چیست که بعضی از نهضت‌های اسلامی روبه ترقی دارند و برعکس بعضی دیگر روبه انحطاط می‌روند؟ وی جواب داد: هر نهضتی که دعوت داشته باشد هم دارای حیات می‌شود و هم ترقی می‌کند و به تعدادشان افزوده می‌گردد و برعکس نهضتی یا ملتی که دعوت را کنار بگذارند مسلماً حیاتشان پایان می‌پذیرد و از رشد و ترقی می‌افتند و بر تعدادشان افزوده نمی‌شود که هیچ، بلکه زوال پذیر می‌شوند.

دعوت جامعه را سالم، بالنده، پاینده و اصلاح می‌نماید. و در واقع، دعوت و تبلیغ به روش صحیح به مثابه ستون فقرات در پیکر اسلام است که اساس نیرو و گسترش و پیشرفت اسلام در همین امر نهفته و منحصر است و بدون آن قامت اسلام راست نمی‌شود.

### نیاز به دعوت در عصر حاضر

نیاز به دعوت در این برهه از زمان بیشتر از هر عصری محسوس است. امروزه دنیا کالاهای با ارزش خود را با

میدان دعوت گام نهاد، قرآن مجید و احادیث پیامبر در این باره‌ی بهترین راهنما هستند از آنجمله در قرآن آمده است: (۱) «قل هذه سبيلي ادعوا إلى الله على بصيرة أنا و من اتبعني و سبحان الله و ما أنا من المشركين»؛ (۱) خداوند به رسول اکرم ﷺ دستور می‌دهد که اعلام کن که این است راه من، دعوت می‌دهم به سوی الله با بینش و بصیرت و کسانی که پیروی از من می‌کنند راهنمایان دعوت الی الله است.»

پس مشخص شد که پیامبر مردم را به توحید خالص دعوت می‌کرد اما دعوتی که با آگاهی و بینش باشد. لذا وظیفه‌ی خود و امت را دعوت الی الله معین ساختند و کسانی که در زندگی خود دعوت را مدنظر قرار ندهند و از وقت، مال و جان خود در راه دعوت سرمایه‌گذاری نکنند اتباع کامل از پیامبر را نکرده‌اند.

(۲) «ادع إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هي أحسن» (۲) خدای متعال در این آیه سه روش دعوت الی الله معرفی می‌نماید:

۱- بوسیله حکمت ۲- بوسیله موعظه ۳- جدال (مباحثه) به نحو احسن.

مراد از حکمت این است که دلایل روشن و براهین محکم و حکیمانه آورده شود تا طبقه‌ای که ذوق علمی دارند با این روش جذب دعوت شوند.

و موعظه حسنه عبارت از نصایح مؤثر و رقت‌آور که با حقیقت نرم‌خویی و دلسوزی مملو باشد. نصیحتی که آکنده از همدردی، شفقت و حسن اخلاق باشد. موعظه‌ای که دل‌های سنگ را موم و قلب‌های مرده را زنده کند و در ناامیدان، امید بدمد و مردم را به حرکت در آورد. و جدال به نحو احسن با کسانی است که دنبال درک مطلب و پیدا کردن حق نیستند، بلکه با چند اصطلاح منطقی و یا فلسفه بافی و سفسطه بازی وارد میدان می‌شوند و اهل مناظره و جدال هستند که نمی‌خواهند قانع شوند.

بنابراین، طرق دعوت در آیه مزبور به صورتهای مختلف است چون اذهان و افکار و مراتب انسانها با همدیگر متفاوت است و هر کدام را باید طبق مزاج وی دعوت کرد. و این همه تأکید نشانگر اهمیت این موضوع است.

(۳) «ولتكن منكم امة يدعون إلى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون»؛ (۳) باید از میان شما گروهی باشند که دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان خود رستگارانند.

این امر مختص به زمان و مکان خاصی نیست. «یدعون» صیغه مضارع است و به امت گوشزد می‌کند که دعوت همواره باید ادامه داشته باشد و ترک دعوت مترادف با از هم پاشیدن وحدت و همبستگی مسلمانان است و دعوت سبب حیات امت می‌باشد.

(۴) «كنتم خير امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنكر و تؤمنون بالله»؛ (۴) شما بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده‌اید (مادام که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایید و به خدا ایمان دارید.

این امت بهترین امتهاست، نه از حیث صنعت، تکنولوژی، اختراع، زراعت علم یا قد و قیافه، بلکه به این خاطر است که به مردم نفع برساند، و بزرگترین نفع به بشریت این است که آنها را از جهنم ابدی نجات داده به سوی بهشت سوق دهند، رابطه آنها را با خالق قوی کنند و این مطلب در داستان ربیع بن عامر رضی الله عنه آشکار است، و تئیکه رستم از او می‌پرسد چه کسی شما را فرستاده؟ جواب می‌دهد: «الله ابتعثنا! لنخرجكم من عبادة العباد إلى عبادة الله وحده و من ضيق الدنيا إلى سعتها و من جور الاديان إلى عدل الاسلام»؛ (۵) خداوند ما را بسوی شما مبعوث داشته تا شما را از پرستش مخلوقات به پرستش خدای یکتا و از تنگی دنیا به فراختای آن و از ستم ادیان باطله به عدالت اسلام رهنمون سازیم.

خداوند از امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به الله به عنوان بزرگترین نفع یاد می‌کند. از این رهگذر، امت باید راحت و آسایش خود را ترک کند تا به دیگران فایده برساند. زیرا شمع تا نسوزد روشنایی به خلق نمی‌دهد. احادیث در این باره بسیارند، که ذکر تمام آنها یک کتاب مستقل خواهد شد، ما در اینجا به چند حدیث مهم بسنده

۱- یوسف: ۱۰۸

۲- نحل: ۱۲۵

۳- آل عمران: ۱۱۰

۴- آل عمران: ۱۰۴

۵- البداية و النهاية، ابن کثیر، ج: ۷، ص: ۴۶، دار احیاء التراث العربی

می‌کنیم:

(۱) «عن ابی هریره رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ: إذا عظمت امتی الدنيا نزعتم منها هیبة الاسلام و اذا ترکتم الامر بالمعروف و النهی عن المنکر حرمت بركة الوحی و اذا تسابت امتی سقطت من عین الله»؛<sup>(۱)</sup> حضرت ابوهریره رضی الله عنه از حضرت رسول اکرم ﷺ نقل می‌فرماید که: هرگاه امت من دنیا را عظیم بداند، عظمت و هیبت اسلام از دلش رخت بر می‌بندد و هر وقت امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، از برکات قرآن محروم می‌شود و هرگاه بدگویی یکدیگر بکنند از نگاه الله می‌افتند.

۳- «عن عائشه (رض) قالت دخل علی النبی ﷺ فرعت فی وجهه ان قد حضره شیء فتوضأ و ما کلم احداً فلصقت بالحجرة استمع ما یقول فقعده علی المنبر فحمد الله و اثنی علیه و قال یا ایها الناس ان الله تعالی یقول لکم مروا بالمعروف و نهوا عن المنکر قبل ان تدعوا فلا اجیب لکم و تسألونی فلا أعطیکم و تستنصرونی فلا انصرکم فما زاد علیهن حتی انزل»؛<sup>(۲)</sup> سیده عائشه (رض) فرمود: که رسول اکرم ﷺ وارد اتاق شدند فهمیدم که مسئله‌ای پیش آمده، سپس وضو گرفتند بدون این که با کسی سخن بگویند به مسجد تشریف بردند، من به اتاق تکیه زدم تا به گفتار وی گوش دهم، آنحضرت بر منبر نشست، پس از حمد باری تعالی فرمود: ای مردم خداوند به شما می‌گوید که امر به معروف و نهی از منکر کنید قبل از آن که دعا کنید و اجابت نکنم از من بخواهید و ندهم و از من کمک بطلبید و شما را کمک نکنم به همین حد بسنده فرمود و از منبر فرود آمدند.

آری امروزه مسلمان اسمی را مسلمان حقیقی بار آوردن و دعوت جهانیان بسوی اسلام از مهمترین مسؤولیتهای مسلمانان است. در این زمینه، باید چنان زحمت کشید که شب و روز، خواب و استراحت، مال و جان و وقت را فدای گسترش اسلام نمود. در این مسیر مطالعه کتب دعوت‌گران و همراهی با دعوت‌گران و خروج فی سبیل الله بزرگترین کمک را به فهم صحیح دعوت می‌کند.

#### تقدم امر به معروف بر نهی از منکر

کسیکه امر به معروف می‌کند باید آشنایی کامل با

معروفات داشته باشد و مراتب معروف را بشناسد و منکرات را بشناسد و به درجات آن آگاهی داشته باشد و معنی «ادعو الی الله علی بصیره» همین است. زیور بصیرت رفق و نرمی است. امر به معروف و نهی از منکر فرض عین است اگر مسلمانان تمام فرائض را انجام بدهند ولی فریضه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند روز قیامت مورد بازخواست الهی قرار می‌گیرند. هرگاه فرائض و واجبات ترک شوند آنوقت امر به معروف فرض می‌شود و هرگاه محرمات عام شود نهی عن المنکر فرض می‌گردد. امر به معروف باید بیشتر از نهی از منکر انجام بگیرد امر به معروف را هر فرد می‌تواند انجام دهد ولی نهی از منکر کار هر کسی نیست چون امر به معروف نتیجه منفی نمی‌دهد ولی نهی از منکر بسا اوقات نتیجه منفی می‌دهد.

علما برای امر به معروف صرفاً علم به مفروضات را شرط قرار داده‌اند ولی برای نهی از منکر چندین شرط گذاشته‌اند از آنجمله:

(۱) قدرت کافی برای ازاله منکر داشته باشد مثلاً در یک کشور بیشترین توانایی را حاکم دارد این کار از دست هر فرد ساخته نیست.

(۲) هرگاه نهی از منکر ضرر به شخص داعی وارد کند یا طرف مقابل را بر گناهان جسور بسازد نهی از منکر درست نیست. خصوصاً وقتی که اگر فرد مرتکب انکار و اهانت دین و اوامر الهی شود یا این که نسبت به دین و مسایل دینی استهزاء و مسخره را روا بدارد در این صورت نهی از منکر جایز نیست بلکه باید در حق او دعای خیر بشود و مستقیماً وارد عمل نشود.

(۳) در روایت آمده است: «من رای منکم منکراً فلیغیره یدیه فان لم یستطع فیلسانه فان لم یستطع فیلقبه و ذلك اضعف الایمان»؛<sup>(۳)</sup> هر کسی از شما که منکری را مشاهده نمود باید با دست آنرا تغییر بدهد و اگر نتوانست با زبان و اگر نتوانست در دلش آن کار را ناپسند بدارد و این ادنی درجه ایمان است.

۱- کذا فی الدرر عن الحکیم الترمذی

۲- مسند احمد بن حنبل، ج: ۱، ص: ۲۸۹، دارالفکر

۳- سنن النسائی، ج: ۸، ص: ۴۸۵، دارالمعرفه

تغییر منکر با ازاله منکر فرق دارد بسیاری از دعوتگران می‌توانند ازاله منکر کنند و بسیاری دیگر نمی‌توانند ازاله منکر کنند بهر حال تغییر وظیفه آنهاست و اگر این قدر نتوانست پس ناپسند دانستن آن با دل است که آخرین درجه ایمانی است.

(۴) هرگاه امر به معروف عام گردد و معروفات در فرد و جامعه حاکم گردد منکر به خودی خود از فرد و جامعه رخت بر می‌بندد چنانکه ارشاد خداوندی است که «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر»؛<sup>(۱)</sup> هرگاه نماز، که یکی از مهم‌ترین فرائض است زنده شود، این عمل معروف فرد و اجتماع را از فحشاء و منکرات باز می‌دارد و منکرات را محو و نابود می‌سازد. لذا یکی از راههای مبارزه با منکرات، احیاء معروفات می‌باشد و نهی از منکر در مرحله‌ی ثانویه قرار داده شده است.

### دعوت با عمل

یکی از عواملی که مردم را جذب دعوت می‌کند سیرت پاک، کردار و صفات حمیده و اخلاق نیکوی داعی است که او را الگوی دیگران می‌سازد و همچون کتابی است که مردم معانی اسلام را در وجود او مطالعه می‌کنند. اسلام در بسیاری جاها بوسیله سیرت طیبه داعیان گسترش یافته است آنقدر که اسلام با اخلاق و صفات و اعمال داعیان دین انتشار یافته بوسیله شمشیر و قدرت گسترش نیافته است. دکتر عبدالکریم زیدان می‌فرماید، در این راستا دو چیز اصل است:

۱- اخلاق زیبای دعوتگر ۲- اعمال دعوتگر طبق اقوالش باشد.<sup>(۲)</sup>

مردم امروز به معلومات نمی‌نگرند و کمتر کسی است که شیفته‌ی علمی باشد که عاری از عمل باشد بلکه برعکس به معمولات نگاه می‌کنند اگر اعمال موافق گفتار باشد آن وقت تأثیرات خاصی خواهد داشت لذا مقوله‌ی مشهوری است که: «ادعوا الناس بغير السننکم» مردم را بدون زبان به طرف اسلام و آخرت دعوت بدهید.

تعبیرهایی استفاده شود که با روح دعوت و رسالت انبیاء هماهنگی داشته باشد، باید بدون ابهام و اغماض محتوی دعوت را اظهار نمود و مردم را به سوی آخرت دعوت داد و آنها را به نعمت‌های بی‌پایان بهشت ترغیب داده و از عذابهای جهنم ترسانند. باید از مردم مطالبه‌ی ایمان بالغیب نمود. داعی باید صریحاً بر ایمان به خدا و صفات و افعال او و به فرشتگان و تقدیر و زندگی بعد از مرگ فرا بخواند و از محبوس ماندن در چاه تاریک طبیعت باز بدارد و معرفی ذات و صفات الله در رأس دعوت قرار دارد. و قرآن مجید می‌فرماید: «یا ایها المدثر \* قم فانتذر \* و ربك فکبر»؛<sup>(۳)</sup> ای پیامبر قیام بفرما و مردم را بیم بده و بزرگی پروردگار خود را بیان کن». لذا فرا خواندن به بزرگی الله یکی از اصول دعوت است که باید مردم را از الله متأثر ساخت و مردم را به طرف الله دعوت داد نه به طرف خود یا قوم و حزب خود.

هرگاه دعوت الی الله باشد آنوقت چنان غیرت و صلابتی در داعی بوجود می‌آید که در احکام شریعت تغییر بوجود نمی‌آورد بلکه بطور کامل آنها بر مردم عرضه می‌دارد، و در نتیجه، مصلحتهای سیاسی و اجتماعی یا جلب رضایت یا کسب قدرت مانع صلابت آنها در دعوت نمی‌شود و کوچکترین سهل انگاری را روا نمی‌دارد و از قوانین شریعت در هیچ شرائطی عدول نمی‌کند.

به همین علت است که وقتی زنی از قبیله‌ی بنی مخزوم مرتکب سرقت می‌شود و جرمش ثابت می‌گردد. و آنها اسامه را واسطه می‌گیرند تا نزد پیامبر برود، رسول اکرم ﷺ ناراحت می‌شود و بالحن تندى به او می‌گوید: «أ تشفع فی حد من حدود الله»؛<sup>(۴)</sup> آیا درباره‌ی حدود الهی شفاعت می‌کنی.

سپس می‌فرمایند: علت زوال ملت‌های گذشته این بود که در اجرای قوانین الهی تبعیض قائل می‌شدند، اشراف را معاف می‌کردند. و بر ضعف حدود را جاری می‌کردند. لذا این صلابت است که با حرارت ایمانی و محبت دینی تمام

۲- اصول الدعوة: ۲۸۶

۱- عنکبوت: ۲۵

۳- مدثر: ۱-۳

۴- بخاری، الجامع الصحیح، ج: ۸، ص: ۳۲۹، شماره حدیث: ۶۷۸۸، دار الکتب العلمیة

### استفاده از تعبیرهای هماهنگ با روح دعوت

یکی از اصول دعوت این است که در تبلیغ و ارشاد از

تعالیم قرآنی و احکام شرعی و اصول اسلامی را به مرحله‌ی اجرا می‌گذارد.

### آشنایی و محبت راهی به سوی دلها

یکی از عوامل موفقیت در دعوت آشنایی با نام افراد و آشنا شدن و انس گرفتن است. حفظ نام سبب محبت دو طرف می‌شود چون هر انسانی دوست دارد که او را با نام خودش و خصوصاً با نامی که دوست دارد صدا بزنند و آشنا شدن پرده‌های بسیاری را از بین می‌برد. تا مادامیکه غربت و دوری و جدایی و بیگانگی بین دعوتگران و مردم باشد، دعوت اثر نمی‌گذارد. آشنایی، بیگانگان را نزدیک می‌کند. بازکردن باب آشنایی و انس گرفتن یکی از مهمترین اصول دعوت است.

حضرت مولانا محمد عمر پالن پوری رحمته الله علیه می‌فرماید: «که انس گرفتن یکی از اصول دعوت است و از طریق آشنایی می‌توان با فرد مورد خطاب انس گرفت؛ سپس زمینه‌ی دعوت فراهم می‌گردد.» در روایات هست زمانیکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله جهت دعوت دادن مردم بیرون می‌رفتند ابتدا حضرت صدیق اکبر از طریق نسب باب آشنایی را باز می‌کرد سپس با او انس می‌گرفتند و در آخر رسول اکرم صلی الله علیه و آله آنها را به طرف اسلام دعوت می‌دادند. (۱)

یکی دیگر از اصول دعوت این است که داعی با دیگران محبت بورزد و شفقت و دلسوزی خود را عملاً به مردم ثابت نماید. هر اندازه که محبت مردم در دل داعی بیشتر موج بزند به همان اندازه در دعوت موفق می‌شود. نگاه داعی باید مشفقانه باشد و محبت از گفتارش بیبارد در روایات است که «من نظر الی اخیه نظرة و د غفر الله له»؛ (۲) هر کس به نظر محبت به برادرش بنگرد خداوند او را می‌آموزد.

دعوتگر باید اسبابی را که مودت را ازدیاد می‌بخشد اختیار نماید.

در روایتی آمده که پیامبر اکرم به حضرت عمر فرمود: «ثلاث لك ودّ اخيك؛ سلم عليه اذا لقيته و توسع له فی المجلس و تدعوه باحب الاسماء الیه»؛ (۳) سه چیز سبب دوستی تو با برادر مسلمان است: ۱- جلوتر او را سلام کنی ۲- او را با محبوبترین نامش صدا بزنی ۳- در مجلس

برایش جا باز کن.

بنا به قول علامه اقبال رحمته الله علیه:

یقین محکم، عمل پیهم، محبت فاتح عالم

جهاد زندگانی مین یهین مردون کشمشیر ی

یعنی محبت عالم را فتح می‌کند.

مطالب فوق در میدان دعوت اهمیت ویژه‌ای

برخوردارند و از اصول دعوت می‌باشند.

### جوانمردی و گذشت در میدان دعوت

گذشت و جوانمردی نیز از مبانی دعوت بشمار می‌آید. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که «الا ادلك علی اکرم الدنيا و الاخرة، ان تصل من قطعک و تعطی من حرکک و ان تعفو عن من ظلمک» (۴) «آیا شما را به کریمانه‌ترین اخلاق دنیا و آخرت راهنمایی نکنم؟ هر کس با شما قطع رابطه کرده، شما رابطه برقرار نمایید و هر کس شما را محروم ساخت شما او را از عطای خود محروم نسازید و کسی که بر شما ستم کرده از او گذشت نمایید.»

این اصول داعی را فروتن کرده و او را به قله سعادت می‌رساند و در مسیر دعوت او را موفق می‌گرداند. بسا اوقات لبخند داعی باب دعوت و تبلیغ را بر رویش می‌گشاید و مخاطب را مجذوب می‌کند و بر عکس ترشروی و ابرو در هم کشیدن نفرت و انزجار بار خواهد آورد.

### دعوت مسلمانان به اطاعت مهم تر

#### از دعوت کفار به اسلام است

خداوند متعال پیامبر را به خاطر روی گرداندن از عبدالله ابن ام مکتوم و توجه به اشراف کفار سرزنش نمودند: «عبس و تولى ان جاء الاعمى و ما يدريك لعله یزکی»؛ (۵) چهره در هم کشیده و روی برتافت از این که نایبانی به پیش او آمد؛ تو چه میدانی، شاید او خود را پاک و آراسته سازد.

۱- حیاة الصحابه، ج ۱، ص: ۸۳، چاپ لاهور

۲- مجمع الزوائد و منبع القوائد، ج: ۱۰، ص: ۲۷۵، هیشمی - دارالکتاب العربی.

۳- طبرانی در معجم اوسط

۴- طبرانی، المعجم الاوسط، ج: ۶، ص: ۲۶۴، مکتبة المعارف

۵- عبس: ۳-۱

در این سوره‌ی یکی از مهمترین اصول بیان شده است: رسول اکرم ﷺ با دو کار در یک جا مواجه می‌شود ۱- تعلیم مسلمان و دلجویی و دعوت او ۲- توجه به غیر مسلمان و دعوت غیر مسلمان به اسلام.

خداوند متعال، با نازل کردن این آیات، واضح می‌فرماید که دعوت مسلمان به اطاعت و توجه به او مقدم است بر دعوت کفار به اسلام.

بنابر این نباید کار مسلمانان را به خاطر تبلیغ کفار به تأخیر انداخت. از این رو تعلیم مسلمانان و اصلاح آنان مهمتر است از دعوت غیر مسلمانان به اسلام.<sup>(۱)</sup>

نکته دیگری که از این واقعه می‌توان استنباط نمود، این است که مخاطبین دعوت طبقه خاصی نباشند بلکه داعی به تمام اقشار و اصناف جامعه، توجه نموده و دعوت را منحصر به قشر خاصی - تحصیلکردگان یا ثروتمندان - ننماید.

و همچنین مسلمانان را به طرف ایمان دعوت دادن یعنی «یا ایها الذین آمنوا آمنوا» مهمتر است از مسلمان کردن غیر مسلمان.

بر این مبنای پرداختن به تفهیم مسلمان، تعلیم دادن مسلمان، اصلاح و به حرکت در آوردن مسلمان از طریق دعوت خیلی مهم است، اگر مسلمانان از راه تبلیغ، واقعاً به دایره‌ی اسلام وارد شوند و بر اسلام کامل عمل کنند، آنوقت کفار و مشرکین، خود به خود با دیدن زندگی عملی مسلمانان به اسلام روی خواهند آورد.

### تساهل یا حکمت عملی از میانی دعوت

در دعوت باید از حکمت عملی کار گرفته شود و با مردم، حسب فهم و درکشان وارد مذاکره شد. فرد داعی باید شناخت کافی از افراد داشته باشد و با موقعیتهای فکری و شغلی مردم آشنا باشد. باید وقت شناس و روانشناس باشد و محل دعوت را خوب در نظر بگیرد و اگر حرکت بی جا از او سرزند و وقت و موقعیت افراد را کاملاً در نظر نگیرد و با زبان مردم با آنها سخن نگوید، بسا اوقات، اثر متفی می‌گذارد.

قرآن مجید می‌فرماید: «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم»<sup>(۲)</sup>

این که پیامبران به زبان مردم با آنها سخن می‌گفتند، منظور از زبان فقط الفاظ و عبارات و کلمات نیستند، بلکه مراد اسلوب بیان، طرز خطاب، گفتگو و شیوه‌ی تفهیم و ارشاد است که هنگام تبلیغ مد نظر آنها بوده است.

پیامبر اکرم ﷺ وقتی معاذ بن جبل و ابوموسی اشعری رضی الله عنهما را به یمن فرستاد دستور داد «یسرا و لا تعسراً و یسرا و لا تنفراً»<sup>(۳)</sup> آسان بگیرد، سخت نگیرید، بشارت دهید، مردم را متنفر نسازید.

به همین منظور باید در دعوت بیشتر از فضایل سخن گفته شود و از ترغیب و تشویق کار گرفته شود که عموماً مزاج و سرشت بشر با آن خوگر است و بیشتر و زودتر با آن جذب می‌شود و بیان کردن وعید و انذار در مرحله دوم قرار دارد.

یکی از صحرا نشینان وارد مسجد النبی شد و در گوشه‌ای از مسجد ادرار کرد. اصحاب پیامبر برخاستند تا ممانعت کنند ولی پیامبر ﷺ فرمود: «دعوه و اریقوا علی بوله سجلاً من ماء او ذنوباً من ماء فانما بعثتم میسرین و لم تبعثوا معسرین»<sup>(۴)</sup> ره‌ایش کنید تا ادرار کنید، سپس سطل آبی بریزید و آنجا را نظیف کنید، حقاً خداوند متعال شما را برای آسان‌گیری فرستاده نه برای سخت‌گیری.

مسجد پیامبر ﷺ با شن و سنگریزه فرش بود و آن فرد غالباً تازه مسلمان بود و با آداب اسلامی آشنایی نداشت و جا داشت که اصحاب رسول اکرم ﷺ خشم بگیرند چون اسائه ادب کرده بود؛ ولی پیامبر ﷺ به اصحاب خود آموزش داد که با این گونه افراد چگونه برخورد کنند؛ و سپس به آن فرد روستایی با نرمی و لطافت فرمود: ای برادر! مساجد به این منظور بنا نشده‌اند، هدف از ساختن مساجد، عبادت و کرنش رب العالمین است.

لذا به هر دو، نحوه‌ی برخورد را آموخت و به امت خود تعلیم داد تا در آینده اگر به مسایلی مشابه و نظیر آن

۱- معارف القرآن، ج: ۸، تفسیر سوره‌ی عبس

۲- ابراهیم: ۳

۳- بخاری، الجامع الصحیح، ج: ۵، ص: ۱۲۸، شماره حدیث: ۴۳۴۲

۴- بخاری الجامع الصحیح، ج: ۷، ص: ۱۳۲، حدیث شماره:

۶۱۲۸، دارالکتب العلمیة

مواجه شدند چگونه رفتار کنند.

جوانی نزد پیامبر آمد و گفت: دلم می خواهد مسلمان شوم اما نمی توانم دست از زنا بردارم! آیا اسلام من مورد قبول است یا خیر؟

رسول اکرم ﷺ فرمود: آیا مادر داری؟ گفت: آری! فرمودند: آیا دوست داری کسی با مادرت زنا کند؟ گفت: خیر! سپس پرسیدند: آیا خواهر داری؟ گفت: آری! فرمودند: آیا دوست داری کسی با خواهرت زنا کند؟ گفت: نه!

سپس رسول اکرم ﷺ فرمودند: دیگران هم دوست ندارند که با مادر و خواهر و ناموس آنها زنا شود، سپس دست مبارک را بر سینه آن فرد کشیدند آن جوان می گوید بعد از آن محبت و فکر زنا برای همیشه از ذهن من بیرون شد.

حضرت امام سید ابوالحسن علی الحسینی الندوی رحمته الله می فرماید: نباید از یاد برد که این تساهل و رعایت حکمت و مصلحت و در نظر گرفتن صلاحیت و استعدادها، در مورد تعلیم و تربیت مسایل جزئی بوده است؛ اما انبیاء علیهم السلام نسبت به مسایل عقیدتی و اموری که به اصول دین و حریم حق مربوط است در هر مقطعی از زمان درباره ی آنها از کوه ها راسخ تر و از فولاد سخت تر بوده اند و به هیچ وجه نرمی و انعطاف را روا نداشته اند. (۱)

### دعوت به زندگی اخروی

مهمترین اصل دعوت این است که مردم را متوجه زندگی اخروی و تحصیل سعادت های اخروی نمود و گاهی اوقات محور اساسی دعوت ایجاد فکر آخرت است زندگی آخرت باید نصب العین دعوتگران قرار داشته باشد که البته انبیاء علیهم السلام فکر آخرت را به عنوان یک نیاز اخلاقی و یا عامل اصلاحی که بدون آن جامعه فاضله و ایده آل به وجود نمی آید نبوده است بلکه ایمان به آخرت، مترادف یقین و کیفیت و جدایی و سوز و گدازی است که بر اندیشه و احساسات درونی چیره می شود باید با ذوق و شوق و علاقه مندی خاصی از آخرت سخن گفت و مردم را با حماسه به سوی آن فرا خواند و یکی از عواملی که رابطه مخلوق با خالق حسنه می شود و ارتباط

برقرار می شود نیز همین انگیزه است البته استناد به آیات قرآنی و احادیث پیامبر و استفاده از قصص قرآن و تمثیلات قرآن و حدیث می تواند نقش مهمی در پیاده کردن روح دعوت به مخاطبین داشته باشد که کاملاً تمام شبهات را بر طرف کرده و مخاطب را قانع می کند و امید و اطمینان می بخشد. (۲)

### اصول دعوت انبیاء

در آخر لازم است اصولی را که انبیاء علیهم السلام در دعوت خود بکار برده اند بطور اختصار بیان شود: (۳)

۱- اساس دعوت انبیاء بر این است که آنها مزد کار خود را از مخلوق طلب نمی کردند و شعار آنها این بود که «ما أسئلكم علیه من اجر ان اجری الا علی رب العالمین»؛ ای مردم من از شما مزدی در ازای دعوت خود نمی طلبم، همانا مزد این کار بر عهده ی پروردگار جهانیان است.

جذابیت و تأثیر دعوت آنها مرهون دو نیرو بوده:

۱- استغناء و بی نیازی از پاداش مخلوق ۲- زندگانی پاکیزه آنان معلوم شد که سر چشمه تأثیر یک مبلغ همان پاکیزگی و استغناء از مخلوق، اخلاص و للهیت است.

۲- انگیزه و محرک دوم تبلیغ و دعوت انبیاء ترحم و شفقت آنها بر بندگان الهی و حس خیرخواهی آنان بود وقتی حالت بد مردم را مشاهده می کردند دل هایشان به حال آنها می سوخت آرزوی آنان از صمیم قلب اصلاح بندگان الله بود. همانگونه که آرزوی قلبی یک پدر شفیق و مربی دلسوز این است که فرزندش هدایت شده به سعادت دنیا و آخرت نائل گردد.

چنانکه درباره حضرت پیامبر آمده است: «فلعلک باخع نفسك علی اثارهم ان لم یؤمنوا بهذا الحدیث أسفاً»؛ (۴) پس مگر تو کشنده ی نفس خود را بر پی ایشان، اگر ایمان نیارند به این سخن از جهت اندوه. «لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم»؛ (۵) ای مسلمانان آمده است به شما پیغمبری از

۱- النبوة و الانبیاء فی ضوء القرآن، ص: ۳۵، دارالقلم - دمشق

۲- آیین زندگی / استاد ندوی

۳- برگرفته از مقدمه سید سلیمان ندوی بر کتاب زندگینامه مولانا

الیاس رحمته الله

۵- توبه: ۱۲۸

۶- کهف: ۶



قبیله شما دشوار است بر وی رنج شما، حریص است بر هدایت شما، مسلمانان بخشاینده و مهربان است.

۳- داعی الهم فالهم را باید همیشه مد نظر داشته باشد رسول اکرم ﷺ در دعوت خود، نخست به توحید و رسالت تاکید می کرد. قریش می پرسیدند شما از ما چه می خواهید؟ آنحضرت جواب دادند: من از شما یک چیز می خواهم آن این که اگر کلمه توحید را قبول کنید عجم و عرب تابع فرمان شما خواهند شد. در واقع الوهیت و رسالت رسول اکرم ﷺ بذر اساس دعوت است که اگر این بذر درست کاشته شود زمانی فرا می رسد که نهال دعوت سر بیرون می آورد و با برگ و با احکام مزین می گردد.

ترتیب نزول قرآن مجید بهترین مثال و روش دعوت است. حضرت عائشه صدیقه (رض) می فرماید: «در مرحله اول آیاتی از قرآن نازل می شد که با ذکر بهشت و دوزخ و ترغیب و ترهیب دلها را نرم می کرد سپس وقتی مردم به اسلام تمایل پیدا کردند آیه های مربوط به حلال و حرام نازل شد.»

مسلم است که اگر در نخستین بار حکم تحریم خمر نازل می شد ممکن بود کسی قبول نکند. از این حدیث معلوم می شود که در نزول آیات قرآن مصلحت دعوت و تبلیغ مراعات شده است. وقتی هیأتی به نمایندگی از مردم طائف به محضر رسول الله ﷺ بار یافت پیشنهاد شد که نماز از آنها برداشته شود رسول اکرم ﷺ فرمود: «لاخیر فی دین لارکوع له»<sup>(۱)</sup> دینی که در آن نماز و رکوع نباشد هیچ خیر و برکتی در آن وجود ندارد. آنها گفتند: از ما عشر و زکات گرفته نشود و افراد ما برای جنگ اعزام نشوند. حضرت این دو شرط را قبول نمودند و فرمودند وقتی مسلمان شدند عشر و زکات هم می دهند و در جهاد هم شرکت خواهند کرد.

محدثین می گویند نماز فریضه ای است که فوراً واجب می گردد بهمین دلیل رسول خدا ﷺ درباره ی آن هیچ نوع انعطافی نشان ندادند اما جهاد فرض کفایه است که در اوقات مخصوص فرض می شود و عشر و زکات پس از یک سال واجب می شود و بعد از گذشت مدتی نیز ادای آن امکان پذیر است. بهمین دلیل در این مسأله انعطاف و نرمی نشان دادند.

۴- یکی از اصول دعوت و تبلیغ عرضه کردن و شناساندن اسلام است. توضیح این که حضرت رسول ﷺ منتظر نمی ماندند که مردم به خدمت وی بیایند بلکه او و اصحابش خودشان نزد مردم می رفتند و آنها را به سوی حق فرا می خواندند و از مکه به طائف مسافرت نمودند. آنجا به خانه های رؤسای آنجا تشریف بردند و آنها را تبلیغ کردند.

و در ایام حج به پیش قبیله ها می رفتند و پیام حق را به آنها ابلاغ می فرمودند و به برخوردهای تند و تیزشان اعتنا نمی کردند.

بعد از صلح حدیبیه وقتی امنیت در جزیره العرب استقرار یافت سفراء و فرستادگان اسلامی به کشورهای مصر، ایران، حبشه، بحرین و شام رهسپار شدند و رسالت اسلام را ابلاغ نموده و به دعوت و تبلیغ پرداختند.

صحابه رسول ﷺ همیشه به مناطق می رفتند حضرت مصعب بن عمیر رضی الله عنه به مدینه، حضرت علی رضی الله عنه و حضرت معاذ رضی الله عنه به یمن جهت دعوت تبلیغ تشریف بردند.

۵- در زمان مبارک رسول اکرم ﷺ حلقه تعلیم و تعلم اصحاب صقه زیر سایبان مسجد نبوی تشکیل می شد آنها برای امرار معاش روزها هیزم جمع می کردند و شبها از فرصت استفاده کرده علم دین می آموختند و از مجالس آن حضرت کسب فیض نموده و حسب نیاز به مناطق دیگر برای دعوت و تبلیغ اعزام می شدند.

بنابراین امروزه نیاز به دعوت از هر عصری بیشتر است و دعوت آنگاه اثر مثبت می گذارد که با رعایت اصول و شرایط زمان و مکان انجام گیرد؛ در واقع یکی از تکالیف مهم مسلمانان دعوت بیان شده است. امیداوریم که هر فرد مسلمان به وظیفه خود آگاه و دعوت را در رأس امور خود قرار داده و داعی و داعی ساز بشود. به امید آروز.

\*\*\*\*\*